

از جنبه‌های بی‌فرهنگی ترانه جوانبخت

چندی پیش نظر یکی از حسودان اینترنتی را درباره خودم و یکی از شعرهای آلمانی که در سایت‌م نوشته‌ام خواندم. این فرد که از دیدن سایت من و آگاهی از فعالیت‌های من در حوزه‌های گوناگون علمی، فلسفی، ادبی، هنری، جنبش زنان و ... و به خصوص این نکته که به طور هم‌زمان در همه این حوزه‌ها آثار متنوع دارم به شدت ناراحت بود در وبلاگش به جای آن که اعتراف کند که نه خودش و نه دار و دسته‌ای از افراد بیکار که با اسم مستعار علیه من کامنت گذاشته‌اند هیچ کدام از خلاقیت‌های من در حوزه‌های گوناگون را ندارند با حسادت تمام به خلاف‌گویی علیه من پرداخته و آن جماعت بیکار که جز با اسم مستعار کامنت گذاشتن و وقت تلف کردن کار دیگری بلد نیستند نیز به انتقاد از من و شکوه و شکایت پرداخته‌اند زیرا که می‌دانند نمی‌توانند مثل من در حوزه‌های گوناگون به خلق آثار متنوع بپردازند.

اشکال این افراد صرفاً حسادتشان و نیز واهمه‌ای که از بر ملا شدن نامشان دارند و به همین خاطر با اسم مستعار به چرت و پرت گویی علیه من پرداخته‌اند نیست بلکه در کم‌سوادی‌شان نیز می‌باشد. از جمله می‌توان به این نکته اشاره کرد که این جماعت با استعاره در شعر آشنایی ندارند و فکر کرده‌اند کلمه‌هایی که در شعر آلمانی من درباره طبیعت است از جمله کلمه‌های درخت و برگ همین کلمه‌هاست و معنی دیگری ندارد. اینها درک نکردند که منظور من در این شعر انسان و ظاهر او بوده که به جای

آن از کلمه‌های درخت و برگ در این شعر استفاده کرده‌ام. اینها درک نکرده‌اند که وقتی شاعر در یک شعر از استعاره استفاده می‌کند اگر به جای کلمه‌های موجود در شعر کلمه‌های مورد نظرش را بیاورد معنای شعر کاملاً تغییر می‌کند و آن وقت شعری که به ظاهر معنای ساده دارد معنای مهم‌تری که در پس کلمات آن نهفته بوده می‌یابد. ما در اشعار فارسی نیز استعاره زیاد داریم و دلیلی ندارد وقتی من در اشعارم از استعاره استفاده می‌کنم برای این افراد مغرض توضیح بیاورم که این استعاره‌ها به جای چه کلمه‌هایی در اشعار من نشسته است.

متأسفانه کم‌سوادی و بی‌عاری و تنبلی در بین برخی از ایرانیان به قدری شیوع پیدا کرده که این جماعت نه تنها حاضر به زحمت کشیدن بیشتر در زندگیشان برای بهتر کردن وضعیت خودشان و فایده رساندن به دیگران نیستند بلکه از دیدن من که در حوزه‌های گوناگون به طور هم‌زمان فعالیت دارم و آثار متنوع خلق کرده‌ام به شدت ناراحت و نگرانند. انگار قرار است من جای اینها را تنگ کنم! تأسف‌آور است که حسادت و غرض‌ورزی انقدر در برخی افراد رخنه کرده که حاضرند علیه من جمع شوند و با اسم مستعار کامنت بگذارند و کمبودهای خودشان را با نوشتن علیه من به زعم خودشان جبران کنند. از جنبه‌های بی‌فرهنگی این است که یک عده برای آن که این نکته را پنهان کنند که توانایی‌های مرا ندارند و از انگیزه‌ها و تلاش‌های من نیز بی‌بهره‌اند فکر می‌کنند با جمع شدن دور هم و چرت و پرت نویسی علیه من می‌توانند خودشان را بالا بکشند و برای حرفشان خریداری پیدا کنند. اینها به این شیوه زندگی که همان بی‌عاری و تنبلی است عادت کرده‌اند و البته وظیفه من نیست که استعدادهای نداشته‌شان را در

وجودشان ایجاد کنم بلکه وظیفه من این است که از استعدادهايم در همه زمينه‌ها تا آنجا که زمان براي مقدور کرده استفاده کنم و به خلق آثار گوناگون در همه این حوزه‌ها پردازم تا برای مردم کشورهای مختلف مفید باشم. البته این مورد که در سال‌های آینده علاوه بر فعالیت‌هايم در همه این حوزه‌ها که تاکنون مخاطبان آثارم با آنها آشنا بوده‌اند در حوزه‌های فلسفه و ریاضیات و نجوم نیز از دانشگاه تخصص خواهم گرفت و مقالات فلسفی و علمی بیشتری از من منتشر خواهد شد برای این جماعت حسادت بیشتر به بار خواهد آورد اما این مشکل خودشان است و باید در شیوه زندگی خودشان تغییر به وجود آورند زیرا من همین مسیری که در زندگی‌ام پیموده‌ام یعنی مسیر بهره‌وری از همه استعدادهايم را با تلاش‌های بیشتر خواهم پیمود و بیهوده‌گویی‌ها و غرض‌ورزی‌های این افراد جز بیشتر انگیزه ایجاد کردن در من تاثیر دیگری نخواهد داشت. پس و اسفا به حال این جماعت بیچار و تن‌پرور که زندگیشان را تباه کرده‌اند.